

تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران
نوشته فؤاد روحانی
شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۲
۵۴۳ صفحه

خاورمیانه، نفت و قدرتهای بزرگ
نوشته بنجامین شوادران
ترجمه عبدالحسین شریفیان
شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۲
۵۰۲ صفحه

نفت و کشورهای بزرگ جهان
نوشته پیترو اودل
ترجمه امیرحسین جهاننگلو
انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۲
۲۱۱ صفحه

«کسانی که از تاریخ نمی‌آموزند، محکوم به تکرار آن هستند.»
— جورج سانفایان

نفت ما و جهان

مجید تهرانیان

می‌آورند. اثر اودل در متن مسائل روز نوشته شده است ولی علیرغم دید هوشمندانه نویسنده آن، اهمیت اساسی وقایع چند سال اخیر از چشم او به دور مانده است.

«خاورمیانه، نفت و قدرتهای بزرگ» یک بررسی تاریخی است که نقش نفت را در روابط بین‌المللی از آغاز سده بیستم تا سال ۱۹۵۹ (سال انتشار چاپ دوم کتاب) مورد مطالعه قرار می‌دهد. در مقایسه با برخی دیگر از بررسیهای تاریخی که در همین موضوع توسط نویسندگان مغرب زمین نوشته شده است، این بررسی نسبتاً بیطرفانه‌ای است. کتاب شرح تفصیلی تاریخ نفت را از آغاز جستجوی منابع آن در ایران و دیگر کشورهای خاور-میانه تا سال ۱۹۵۹ بدست می‌دهد. حسن دیگر کتاب در آن است که نویسنده تاریخ نفت را جدا و منتزاع از روابط دیگر کشورهای خاورمیانه نمی‌بیند و همان طور که از عنوان کتاب هم پیداست، به شرح تفصیلی تاریخ دیپلماسی کشورهای بزرگ در این منطقه و رقابتهای شدید قدرتهای مستقر (روس و انگلیس و ترکیه عثمانی) از سوئی و قدرتهای تازه وارد (ایالات متحده و فرانسه و آلمان) از سوئی دیگر در زمینه کسب امتیازات اقتصادی و قدرت سیاسی می‌پردازد، و از اینرو کتاب مستندی است که می‌تواند مورد استفاده درسهای اقتصاد بین‌الملل و علوم سیاسی قرار گیرد. با این همه، از همان نخستین صفحات کتاب به طرز فکر پدرمنشانه نویسنده نسبت به مردمان خاورمیانه که متأسفانه از بقایای طرز فکر استعماری است، آشنا می‌شویم:

«کشورهای این منطقه هنوز از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عقب افتاده‌اند. چون بیشتر این کشورها فاقد تجربه استقلال بوده و از درک و فهم اهمیت و مقصود اصلی و نیز مسئولیتهای آن و همچنین شناسایی عوامل اقتصادی و نیروهای اجتماعی ناتوانند، در نتیجه با عدم ثبات دست به گریبان می‌باشند.»

«آموزش و پرورش غربی که در پایان قرن پیش توسط هیئتهای مذهبی مسیحی به گروهی از مردم خاور-

انتشار این سه کتاب را به سه مناسبت می‌توان به فال نیک گرفت. نخست آنکه، می‌توان امیدوار بود که اینگونه انتشارات سرآغاز نشر آثار علمی و اندیشمندانه‌ای درباره مسائل تاریخ معاصر ایران و جهان باشد. نویسندگان ما در سالهای اخیر از برخورد با چنین مسائلی، آگاهانه و ناآگاهانه، به حکم آنکه: «مکروه» است، پرهیز کرده‌اند و این امر به گسترش میدان تجاهر و ذهنی‌گرایی افزوده است.

دوم آنکه، انتشار این سه کتاب همزمان با پیدایش تحولاتی بزرگ در صحنه اقتصادی و سیاسی جهان صورت می‌گیرد که نتایج آن در سرنوشت نسل آینده نقشی تعیین کننده خواهد داشت. کشور ما به عنوان یکی از کشورهای بزرگ نفت‌خیز می‌تواند در تعیین جهت این تحولات به سود خود و دیگران نقش مهمی را ایفا کند. ولی اینای این نقش مستلزم آگاهی بیشتر از مسائل اساسی این دگرگونیها و اندیشه و پژوهش و راه جویی مداوم است. و بالاخره سوم آنکه، انتشار یکی از این سه کتاب بویژه نوید می‌دهد که رشد سیاسی ما به درجه‌ای از پختگی رسیده است که بدانیم تنها کسانی از تاریکی و نادانی ما درباره تاریخ معاصر خود بهره می‌گیرند که دشمنان ملت ایران هستند. نسل جوان ما بویژه تشنه دانستن است و عدم دسترسی به آثار و انجمنهای علمی از راه به سوی شبنامه‌ها می‌کشاند و شاید بدتر از آن، خلاء فکری و تاریخی امروز ممکن است نسل جوان را به دست نوعی فراموشخانه اخلاقی بسپرد که در آن بزرگترین فضیلتها بی‌اعتقادی، بی‌ریشگی، بی‌بندوباری و توسل به انواع اقیونتهای فکری دیگر است. این ائتلاف ناپسند میان نادانی و سکوت آینده‌ملتی بزرگ را نوید نمی‌دهد.

این سه کتاب به دور یک مسئله می‌چرخند، نقش اقتصاد نفت در تطور سیاسی جهان، و از اینرو بررسی هر سه در یک نقد فرصت مناسبی را برای بررسی اقتصاد سیاسی نفت فراهم آورده است. آثار شوادران و روحانی آثار تاریخی هستند و از اینرو درسی از گذشته را فراهم

میان‌عرضه شد، دروازه‌های تمدن نوین غربی را به‌رویشان
گشود و نارضایتی عمیقی نسبت به شیوه زندگی شرقی
به‌وجود آورد که تدریجاً به‌صورت تمایل به «تنویر» مردمان
آنها و بازگرداندن ایشان از وضع عقب‌افتاده ایستای
خود به‌سوی روشنایی تمدن اروپایی نیرو گرفت.» (ص ۳،
تأکیدها از منتقد است.)

دیدگاه این نویسنده دیدگاه یک نویسنده آمریکایی

در عصر جنگ سرد است. جهان‌بینی این عصر به‌نوعی
جهان‌بینی ساده‌اندیشانه دوگانه‌گرا، ستیز میان فرشته و
اهریمن، خلاصه می‌شود:

«از آنجا که جهان به‌سرعت به‌دو جبهه تقسیم می-
شود سیاست غرب نسبت به‌خاورمیانه و نفت آن اهمیت
بیشتری می‌یابد. این منطقیه باید به‌عنوان یک پایگاه
سوق‌العیشی حیاتی و به‌عنوان منبع پرارزش نفت، برای
اداره جنگ احتمالی آتی در دست غرب بماند، از سوی
دیگر هم نباید اجازه داد که به‌تصرف دشمن درآید.»
(ص ۷).

با این نمونه‌های فکری چندان شگفت‌انگیز نیست که
شوادران به‌نتیجه زیر برسد:

«علیرغم حدود پنجاه سال فعالیت نفت، هیچک از
کشورهای خاورمیانه به‌تنهایی قادر نیستند که صنعت
نفت را از نظر فنی، مالی یا اداری بگردانند. حتی ایران،
یکی از قدیمیترین کشورهای نفت‌خیز، نتوانست صنعت
نفت را پس از ملی کردن اداره کند.»

(ص ۴۲۰، تأکید از منتقد است.)
صرف‌نظر از تعریفات تاریخی آن، این طرزفکری
است که با کوه‌بینی و خودپستندی فرهنگی غربی خاص
خود موجبات پدیده‌های استعمار و ضداستعمار را در
سراسر جهان سوم فراهم آورده است. ترجمه این کتاب
روان و دقیق است و قطعاً متضمن زحمات بسیار مترجم
بوده است، و از اینرو دریغ است که این زحمات صرف
ترجمه کتابهای تازه‌تر و معتبرتر این رشته نشده است.^۲
به‌رحال، قول ناشر براین که بزودی اقدام به‌ترجمه و
انتشار اینگونه آثار خواهد شد امیدوارکننده است. ***

نهضت ملی کردن نفت در ایران، هم از نظر هدف
و هم از نظر محتوای آن، یکی از مهم‌ترین نقاط عطف
تاریخی سیر آزادی ملل استعمارزده را تشکیل می‌دهد، و
از اینرو کتاب آقای روحانی که نخستین بررسی تاریخی
این ماجرا از دیدگاه یک نویسنده ایرانی و ناظر بر
جریان‌ات تاریخی وقت است حائز اهمیت بسیار می‌باشد.
آقای روحانی کاری بس‌دشوار را به‌عهده گرفته و
در حد امکان نیز از عهده آن به‌شایستگی برآمده است.
کتاب شرح تفصیلی ملی شدن نفت را از آغاز تا پایان
ماجرا که انعقاد قرارداد کنسرسیوم بود عرضه می‌کند.
از آنجا که نویسنده در درجه نخست یک حقوقدان است
دیدگاه تحلیلی اثر وی نیز برسر مسائل حقوقی است.
نخستین فصل به‌مفهوم ملی کردن و اصول حقوقی مربوط
به آن می‌پردازد. فصل دوم سابقه تاریخی ملی کردن
صنعت نفت مکزیک را مطرح می‌کند. و بالاخره فصل
سوم تاریخچه‌ای از نفت ایران از اعطای امتیاز داری در

سال ۱۲۸۰ شمسی (۱۹۰۱ میلادی) تا الفای قرارداد شرکت
نفت ایران و انگلیس در سال ۱۳۳۰ شمسی (۱۹۵۱)
میلادی به‌دست می‌دهد. بدین‌ترتیب نویسنده با یک پیش-
درآمد کوتاه و مؤثر صحنه را برای شرح تفصیلی خود
ماجرا فراهم می‌کند.

در سراسر کتاب، نویسنده کوشیده است از ورود
مستقیم به‌جنبه‌های سیاسی نهضت ملی کردن نفت پرهیز
و فقط به‌شرح بیطرفانه وقایع بسنده کند. ولی از آنجا
که رویدادهای تاریخی این دوره جنبشی برعلیه یک قرن
ونیم سرکوبی و سرخوردگی سیاسی ملت ایران در دست
استعمار خارجی است، نویسنده خوشبختانه در کوشش‌خود
موفق نمی‌شود و آثار مثبت و منفی سیاسی آن جنبش در
لابلای فصول مختلف کتاب نمایان می‌گردد.

می‌گویند تاریخ تکرار می‌شود، نخستین بار به‌شکل
فاجعه و بار دوم به‌شکل مضحکه. داستان این کتاب داستانی
فاجعه‌آمیز است، و بسان هرفاجعه دیگر، تنها سرنوشت
نیست که قهرمان را به‌سوی نیستی می‌کشد، بلکه در
پایان کار نقصان فاجعه‌انگیز خود قهرمان داستان
است که وسایل سقوط او را فراهم می‌آورد. در این
مورد، سرنوشت تا حدود بسیاری از پیروزی نهضت
ملی کردن نفت جلوگیری می‌کرد. ساخت بازار
جهانی نفت به‌سختی اجازه ورود به‌تازه‌واردان می‌داد.
هشت شرکت غول پیکر نفتی در ائتلاف با یکدیگر و با
پرورداری از حمایت کشورهای متبوعه خود (ایالات
متحده، انگلستان، فرانسه، و هلند) ذخائر اصلی نفت را
در جهان غیر کمونیستی در اختیار داشتند و همراه با آن،
وسایل استخراج، پالایش، حمل و نقل، پخش و فروش
فراورده‌های نفتی نیز به‌میزان قابل توجهی در انحصار
آنان بود.

بدین‌ترتیب، دو سال‌ونیم مبارزه ملت ایران، برای
استقلال اقتصادی و ورود به بازارهای نفت‌جهان به‌جایی
نرسید، نه‌به‌خاطر آنکه (بزعم شوادران) ایرانیان بالقهر
توانایی اداره صنعت نفت خود را نداشتند (روحانی
بخوبی عکس‌مطلب را با شواهد تاریخی نشان می‌دهد)،
بلکه به‌دلیل اینکه منافع انحصارچندگانه بین‌المللی نفت
با پیروزی ایران به‌مخاطره جدی می‌افتاد، و از اینرو
تهنیت ملی کردن با مخالفت‌های سرسختانه و همه‌جانبه‌آن
روبرو شد. نظر بسیاری از ناظران این ماجرا براین‌است
که هدف ملی کردن صنعت نفت به‌معنای دقیق کلمه،
یعنی کنترل ملی تولید و فروش و قیمت‌گذاری، در تحت
شرایط اقتصادی و سیاسی وقت، از همان آغاز محکوم به
شکست بود. علیرغم سهولت ظاهری اثبات این نظریه،
شواهد دیگری در دست است که توسط آن می‌توان
استدلال کرد که اگر مبارزه چندی دیگر به‌طول انجامیده
بود، احتمال پیروزی بیشتری در زمینه ورود به بازارهای
جهانی می‌رفت. خلاصه این شواهد به‌شرح زیر است.^۵

نخست اینکه، همان‌طور که خاطر نشان شد، مهندسان
شرکت ملی نفت ایران توانستند بخوبی از اداره تأسیسات
نفتی جنوب‌برایند، به‌هدی که در تأمین نیازهای بازار داخلی
خداش‌ای حاصل نشد و مخازن پالایشگاه آبادان نیز در حد
ظرفیت برای صادرات نفتی آماده بود. در صورت افزایش

تقاضا برای صادرات بیشتر، شرکت ملی نفت می‌توانست از کارشناسان بین‌المللی کشورهای بیطرف استفاده کند. ۶. دوم اینکه، بزرگترین مشکل ورود به بازار عدم دسترسی شرکت ملی نفت به وسایل حمل و نقل بود که غالباً در طی قراردادهای بلند مدت در انحصار معدودی شرکت غول‌پیکر نفتی است. حمل و نقل در مقایسه با مراحل دیگر فعالیت‌های نفتی کمتر جنبه انحصاری دارد و از اینرو شکستن زنجیر انحصار در این مرحله آسانتر به نظر می‌رسد. در حالی که درجه انحصار در مراحل تولید نفت خام، پالایش و پخش چیزی در حدود ۸۰-۷۰ درصد بود، کنترل نفتکشها به وسیله قراردادهای بلندمدت در حدی بین ۴۰-۳۰ درصد قرار داشت. از طرف دیگر، کمبود نفتکشها که به علت جنگ کره نرخ اجاره را در سال ۱۹۵۲ در حد بالایی نگاه داشته بود، با پایان این جنگ در ژوئیه ۱۹۵۳ رو به کاهش می‌رفت. بدین ترتیب، شرکت‌های مستقل و کوچک نفتی که تا این هنگام جسارت مداخله نداشتند، به علت هزینه کمتر حمل و نقل می‌توانستند به مخاطرات بیشتری در برابر شکایات شرکت سابق نفت ایران و انگلیس و هزینه‌های احتمالی آن دست یازند.

سوم آنکه، تخفیف‌های شرکت ملی برای تشویق خریداران نفت ایران هزینه آنان را به میزان ۵۰ درصد کاهش می‌داد. در شرایطی که قیمت نفت هنوز دچار سیر نزولی آن در اواخر دهه ۱۹۵۰ نشده بود، این تخفیفها عامل بسیار مؤثری در جذب شرکت‌های کوچک و مستقل می‌توانست باشد. در جریان تحریم نفت شوروی پس از انقلاب اکتبر و سپس مبارزه سرسختانه علیه آن در دهه ۱۹۵۰، به علت همین گونه تخفیفها و توسل به دیگر وسایل، اتحاد شوروی بالاخره سد انحصار را شکسته بود. ۸. با خرید نفت خام ارزان، شرکت‌های کوچک می‌توانستند در شرایطی که تقاضا مرتباً رو به افزایش بود، رفته رفته وسایل دیگر ورود به بازار را اجاره و یا خریداری کنند. در واقع، همین امر نیز با ورود شرکت‌های مستقلی مثل شرکت نفت ایتالیا، شرکت نفت پان‌امریکن و شرکت نفت اکسیدانتال ۱۱ به صحنه خاورمیانه و شمال آفریقا در نیمه دوم دهه ۱۹۵۰ صورت عمل به خود گرفت.

چهارم آنکه، با درگذشت استالین در سال ۱۹۵۳، اتحاد شوروی وارد مرحله جدیدی از روابط خود با کشورهای جهان سوم ۱۲ می‌شد. روابط سنتی شوروی با دولت‌های «بورژوازی ملی» در کشورهای روبه توسعه رابطه دشمنی و سوءظن بود، و حال آنکه دولت جدید شوروی می‌گوشید که از در دوستی و همکاری وارد شود و همین امر خود باعث آن شد که دولت ایالات متحده نیز در روابط خود با دولت‌های ناسیونالیست رفته رفته تجدیدنظر کند و در راه رقابت با شوروی در صدد دوستی و همکاری بیشتر برآید. اینگونه رقابتها پس از بحران سوئز ۱۹۵۶، بیش از پیش وسایل پایداری دولت‌های ناسیونالیست در کشورهای روبه توسعه و پیشبرد هدفهای آنان را فراهم آورد.

شواهد بسیاری در دست است که باگذشت زمان تحریم نفت ایران بیشتر و بیشتر روبه تضعیف می‌رفت.

چند شرکت نفت ایتالیایی و ژاپنی، از آن جمله سوپرو ۱۲ و ایدمیتسو ۱۴ پیشقدم شده بودند. مشکلات حقوقی که بر اثر شکایات شرکت سابق نفت ایران و انگلیس گریبانگیر آنها بود نیز در نتیجه آراء دادگاه لاهه و دادگاههای ژاپنی و ایتالیایی به نفع ایران رو به کاهش بود. روزنامه نیویورک تایمز در این باره گزارش می‌داد که «شرکت‌های نفت خارجی که بازارهای نفت ژاپن را در اختیار دارند قضیه شرکت ایدمیتسو را با دقت خاصی تحت نظر دارند. متخصصین نفتی بر این عقیده‌اند که خریدهای ارزان قیمت نفت ایران شرکت ایدمیتسو را موفق به کاهش قیمت‌های خود به چیزی در حدود ۳۰ درصد از سطح قیمت‌های جاری خواهد کرد. ۱۵» شرکت سوپرو نیز پس از موفقیت در دادگاههای ایتالیا بار دیگر در ماه فوریه ۱۹۵۳ عازم خرید نفت از ایران بود. دولت ایران نیز متقابلاً اعلام کرده بود که احتیاجات این شرکت را برای مدت شش ماه با ۵۰ درصد تخفیف تأمین خواهد کرد. ۱۶.

بدهی است که هیچک از این تسهیلات بازار نفتی را که ایران قبل از ملی شدن صنعت نفت در اختیار داشت باز پس نمی‌گردانید. صادرات نفتی ایران، هرچند که در سال ۱۹۵۳ رو به افزایش بود، در تمام دوره بحران از ژوئیه ۱۹۵۱ تا اوت ۱۹۵۳، فقط به ۱۲۰۰۰ تن و با ارزشی بالغ بر ۱/۸۶ میلیون دلار رسیده بود. در حالی که صادرات نفتی در سال ۱۹۵۰ (آخرین سال پیش از ملی شدن) بالغ بر ۳۱/۷۵ میلیون تن و به ارزش ۴۰۰ میلیون دلار بود. از این مقدار، دریافتی دولت ایران به ۴۴ میلیون دلار بالغ می‌شد. ولی مشکلات اساسی ورود به بازار به پشت‌سر نهاده شده بود. از نظر اقتصادی، نقش انحصاری هفت شرکت بزرگ نفتی از این تاریخ تاکنون روبه کاهش بوده است. از نظر سیاسی هم، شرایط بین‌المللی برای پی‌گیری هدفهای ملی کشورهای روبه توسعه به طرز محسوسی مرتباً بهبود یافته است. به هر حال، خطر ورود نفت ملی شده ایران به بازارهای بین‌المللی و در نتیجه کاهش قیمت‌ها، همچون شمشیر دموستن، ۱۷ باعث می‌شده که شرکت‌های نفتی را وادار به پذیرفتن شرایط اساسی ایران کند. دو پیشنهاد آخر آمریکا و انگلیس به ایران، در واقع متضمن بسیاری از شرایط ایران و تشکیل یک کنسرسیوم بین‌المللی از هفت شرکت بزرگ برای تولید و فروش نفت ایران بود. تنها مسئله باقیمانده مسئله تعیین میزان و نحوه پرداخت غرامت به شرکت سابق نفت ایران و انگلیس بود که در آخرین ماه‌های حکومت دکتر مصدق معوق ماند. به هر حال، حکومت وقت پیش از آنکه اثرات قوانین جاذبه اقتصادی به ثمر برسند سقوط کرد و توسعه نفت ایران جبهتی دیگر یافت. طرح ملی شدن شاید کمی زودتر از وقت خود به صحنه تاریخ آمده بود و کمی زودتر از هنگام به ثمر رسیدن از صحنه خارج گشت.

کتاب روحانی بخوبی روشنگر این نکته هست که قرارداد کنسرسیوم چیزی کمتر از آخرین دو پیشنهاد آمریکا و انگلیس به ایران عرضه داشت. در شرایط وقت، شاید این قرارداد بهترین قرارداد ممکن بود، ولی طعم تلخ شکست ایران کشورهای دیگر نفت‌خیز را برای مدتی

از اقدام به ملی کردن برحذر داشت. و این بزرگترین نتیجه‌ای بود که حاصل شرکت‌های نفتی شد. ۱۸ ***

از آنجا که تاریخ در مسیر خود هیچگاه باز نمی‌ایستد، پایان ماجرای ملی‌شدن صنعت نفت ایران آغاز دورانی از تزلزل و دگرگونی را در بازار نفت جهان به دنبال آورد که سرانجام با قرارداد ۱۹۷۱ تهران، تراز نیروها را برای نخستین بار به سود کشورهای صادرکننده دگرگون ساخت. ۱۹ کتاب «نفت و کشورهای بزرگ جهان»، که عنوان دقیقتر انگلیسی آن، «نفت و قدرت جهانی: یک تعبیر جغرافیایی» ۲۰ است، شرح این دگرگونیها است. همانگونه که از عنوان انگلیسی آن برمی‌آید، کتاب از دیدگاه یک جغرافیادان نوشته شده است، ولی نویسنده به نحوی سهل و ممتنع خطوط اصلی سیاست و اقتصاد کشورهای عمده صادرکننده و واردکننده را در قالب محدود ۲۲۱ صفحه به هم فشرده است. از میان‌کتبی که فعلاً درباره نفت به فارسی موجود است، این کتاب ساده‌ترین و خلاصه‌ترین دیباچه برای این موضوع بسیار پیچیده است. نویسنده کوشیده است که موضع هر یک از قدرتهای بزرگ صادرکننده و واردکننده نفت را در مجموع مبارزات سیاسی و اقتصادی آنان روشن کند و در انجام این مهم نیز موفق گشته است. در این میان، ایالات متحده و اتحاد شوروی هر یک موضعی استثنایی دارند چون در تأمین نیازهای خود به سوخت و نیرو نسبتاً بسنده‌اند در حالی که ژاپن و بیشتر کشورهای اروپایی باختری و خاوری کاملاً متکی به منابع آسیای باختری و آفریقای شمالی هستند. نویسنده فصل خاصی را برای تشریح و تحلیل سیر تطور سیاست نفتی هر یک از این بلوکهای بزرگ واردکننده و صادرکننده تخصیص داده است، که هر یک برای فهم مسائل امروز آموزنده است. از این رو کتاب او دل نیز می‌تواند مورد استفاده درسهای اقتصاد و علوم سیاسی قرار گیرد.

صرف‌نظر از چند مورد کوچک که پیش‌بینیهای نویسنده در مقایسه با اتفاقات اخیر غلط از آب درآمده است، ۲۱ خطوط اساسی تجزیه و تحلیل کتاب هنوز به صحت خود باقی است. با این همه نویسنده ناچار بوده است در چاپ دوم کتاب دست به تجدید نظرهایی بزند که حائز اهمیت است و امیدواریم که مترجم محترم در چاپ دوم فارسی نیز آنها را در نظر گیرد. ترجمه کتاب بسیار روان و استادانه است و جز در موارد کوچکی مانند ترجمه barrel به بارل بجای «بشکه» و ترجمه شرکت نفت پارس و انگلیس بجای «انگلیس و ایران» خالی از هرگونه تصنع‌ات فرنگی است. ***

گذشت زمان بزرگترین دشمن کسانی است که جسارت اظهارنظر را درباره مسائل نفت جهان به خود راه می‌دهند، که این عجزه عروس هزار داماد است. نویسندگان سه‌کتابی که شرح آنها گذشت و این نگارنده از این قاعده مستثنی نیستند. پیش‌بینی در این زمینه خالی از مغایره نیست، ولی با این همه جاذبه کارچندان است که کمتر نویسنده‌ای توانایی پرهیز دارد.

نقش نفت در تاریخ معاصر جهان در آستانه تحول بزرگ دیگری است که تجزیه و تحلیل آن از حوصله این نقد خارج است. ۲۲ آنچه مسلم به نظر می‌رسد آنست که ماده لزج و سیاهی که در ابتدا اسباب به بندکشیدن بسیاری از ملل استعمارزده آسیا و آفریقا و امریکای لاتین را فراهم آورد امروز وسایل رهایی از چنگال فقر اقتصادی و اسارت سیاسی را در اختیار آنان نهاده است. این فرصت تاریخی ساده و آسان به دست نیامده است و نباید ساده و آسان از دست رود، و آموختن تاریخ تنها ضامن آینده‌ای است که در آن اشتباهات گذشته تکرار نشود. □

حواشی:

۱) کتاب «نفت در خاورمیانه: کشف و توسعه آن»، اثر استفان - لانگریگ، Stephen Longrigg,

Oil in the Middle East: Its Discovery and Development (London, 1954).

کتابی است از این قبیل که از دیدگاه شرکت‌های نفتی و در توجیه منافع و حقوق آنان نوشته شده است. ۲) عمده آثار که به نظر این نگارنده شایسته ترجمه و انتشار هستند به شرح زیر است:

J. E. Hartshorn, *Oil Companies and Governments* (London: Faber & Faber, rev. 1967); (American title, *Politics and World Oil Economics*); Edith T. Penrose, *The Large International Firm in Developing Countries* (London: Allen & Unwin, 1968); Jacques Filandrin and Jean Chappelle, *Le Petrole* (Paris: Edits. Techniq, 1961); Jean Masseron *L'Economie des Hydrocarbures* (Paris, Edits. Techniq, 1969); Paul H. Frankel, *Essentials of Petroleum* (London: Chapman & Hall, 1964, 1969); M. A. Adelman, *The World Petroleum Market* (Baltimore: The Johns Hopkins University Press, 1972).

۳) برای بررسی خلاصه‌ای از عوامل اصلی این «سرنوشت» و سیر دگرگونی آن، نگاه کنید به مقاله این نگارنده، «برسرکنج شایگان» کتاب امروز، پائیز ۱۳۵۲، ص ۳۲-۲۷

۴) از آنجا که اصطلاح کارتل به معنای دقیق حقوقی آن (یعنی ائتلاف رسمی چند تولیدکننده در ایجاد شرایط انحصاری) همیشه بر شرایط تاریخی صنعت نفت تطبیق نمی‌کند، در اینجا از کاربرد آن پرهیز شده است و اصطلاح انحصار چندگانه یا Oligopoly را که واژه دقیقتر و مناسبتری است برگزیده‌ایم.

5) Majid Tehranian, *Iran: Oil and the Struggle for National Power*, Paper Presented to the Conference on the Structure of Power in Islamic Iran, Univ. of Calif., Los Angeles, June 1969.

۶) ر.ک. روحانی، فصل ۳۳. 7) *The New York Times*, March 13, 1953, 70; *Newsweek*, February 23, 1953.

۸) ر.ک. پیتر اولد، «نفت و کشورهای بزرگ جهان»، فصل سوم و Paul Frankel, *Oil: Facts of Life* (London 1962), pp. 7-8.

مسئله عنوان شود، ولی باید متذکر شد که بعد سیاسی نهضت ملی شدن نفت از اساسیترین ابعاد آن است و درک کامل این نهضت بدون پرداختن به آن امکانپذیر نیست. از اینرو امیدواریم که به همت دیگر بازیگران این دوره حساس تاریخی، آثاری مکمل اثر آقای روحانی پدید آید، ولی تاچنین هنگامی باید بسیاری از استنتاجات ضمنی سیاسی آقای روحانی را با قید احتیاط تلقی کرد. خوانندگان ذی‌علاقه در این مورد می‌توانند به آثار زیر رجوع کنند.

Richard Cottam, *Nationalism in Iran*, (Pittsburg: Pittsburg University Press, 1964).

Majid Tehranian, «Iran» *The Middle East: Its Governments and Politics* (Belmont: Duxbury Press, 1972).

۱۹) برای بررسی سه مرحله تاریخی تکامل بازار نفت، نگاه کنید به محمدعلی موحّد، «نفت، و مسائل حقوقی آن» (تهران ۱۳۴۹) و نقد آن توسط این نگارنده، «بیرسگنج شایگان»، «کتاب امروز»، پائیز ۱۳۵۲

20) *Oil and World Power; A Geographic Interpretation* (London, 1970), 2nd edition, 1972.

۲۱) نگاه کنید به ص ۱۹۵-۱۹۴ (۲۲) نگارنده در مقالات دیگری به این مسئله پرداخته است. رجوع کنید به مجله تحقیقات اقتصادی انگلیسی، شماره تابستان و پائیز ۱۹۷۰ و

Kayhan International, December 4, 1973; April 27 & 28, 1974.

9) Ente Nazionale Idrocarburi (E. N. I.)

10) Pan-American Oil Co.

11) Occidental Oil Co.

۱۲) گرچه با گذشت تاریخ، اصطلاح «جهان‌سوم» بیشتر و بیشتر از محتوی و معنای اقتصادی و سیاسی خالی گشته است، کاربرد آن در اینجا صرفاً اشاره‌ای به یک نوع وحدت‌روانی دنیای استعمار-زده افریقا، آسیا و امریکای لاتین است. برای توضیحات بیشتری در این باره، رجوع کنید به مجید تهرانیان، «ابعاد انسانی توسعه: در جستجوی جهان سوم»، تهران، ۱۳۵۳.

13) Supro

14) Idemitsu

15) *The New York Times*, May 10, 1953, As Quoted by Jerrald L. Walden, «The International Petroleum Cartel in Iran: Private Power and Public Interest», *Journal of Public Law*, Vol. II, No. 1 (Spring 1962).

16) *The Times* (London), 25, September, 1953, 10;1, as quoted by C. H. Lunding, «Disinterest to Commitment», Mss.

۱۷) شمشیرهای (384/383-322 B.C.) Demosthenes، خطیب نامی یونانی، شمشیرهایی بود که وی در تمرین سخنوری به اطراف خود آویخته بود و آزادی‌حرکات او را از هر طرف محدود می‌کرد. ۱۸) از آنجا که آقای روحانی از ورود مستقیم به جنبه‌های سیاسی این جریان پرهیز کرده است بجا نیست که در این نقد این بعد از

دستور زبان فارسی

نوشته پرویز ناتل خانلری

انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱

۳۶۷ صفحه

دستور يك استاد

غلامرضا ارژنگ

گرفته و سپس بخش پنجم و ششم که «مقالات کوناگونی است... که هر يك به مناسبتی نوشته شده» بدان افزوده شده است. از آنجا که تاریخ نگارش و منظور از نگارش هر يك از بخشها مختلف بوده ناچار بسیاری از مطالب کتاب تکرار شده است و به سبب منظورهای مختلف نویسنده، در تنظیم و تدوین مطالب کتاب روش واحد و دید ثابتی به کار نرفته است. مثلاً در بخش اول، مثالها عموماً از نثر امروز است، ولی در بخش دوم جسته جسته مثالهایی از شعر و نثر قدیم هم می‌آید و در بخش سوم، مثالها از شعر (وگاهی نثر) قدیم است و تقریباً از زبان امروز مثالی ندارد. مبحث «وجه‌تردیدی و شرطی» کلا دستور تاریخی است و مبحث «نکته‌هایی درباره زبان فارسی» کلا دستور «تجویزی» درباره «درست گفتن» است - یعنی چگونه باید گفت و نه چگونه گفته می‌شود. تقسیم

کتاب شامل شش بخش است: دو بخش اول، که به منظور تعلیم دستور در دبیرستانها نوشته شده، بارها از طرف سازمان کتابهای درسی به چاپ رسیده است؛ بخش سوم در نحو فارسی، بخش چهارم درباره ریشه‌پسوند مصدر و تحول تاریخی آن، بخش پنجم شامل مقالاتی درباره بعضی نکات خاص دستوری به منظور تشخیص استعمال درست از نادرست، و بخش ششم در نکته‌های غیر فصیح و نازیبای نوشته‌های امروز است. همه مطالب چهار بخش اخیر قبلاً در مجله «سخن» و «مجله دانشکده ادبیات» به تدریج به چاپ رسیده و پاره‌ای از آنها مستقلاً نیز انتشار یافته است.

بدین گونه، «تعلیم قواعد فارسی امروز» همراه با «بحث در ساختمان جمله» در کنار مقاله «ریشه‌پسوند مصدر در زبان فارسی و تحول تاریخی آن» قرار